

دکتر دیو متیوسون، ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۲۸، عبرانیان

© 2024 دیو متیوسون و تد هیلدبرانت

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۲۸ درباره کتاب عبرانیان است.

بسیار خوب، وقت شروع است.

فقط چند کلمه اعلامیه. یکی از آنها همدردی من با همه طرفداران رد ساکس است. باید اعتراف کنم، من طرفدار سنت لوئیس کاردینال هستم و آنها بهتر از این عمل نمی کنند، بنابراین درک می کنم.

دوم، امشب ساعت ۸ در این اتاق یک جلسه بررسی اعتبار اضافی برگزار می شود، بنابراین حاضر شوید و سؤالات خود را مطرح کنید، آماده باشید تا در مورد هر چیزی که مربوط به امتحان است صحبت کنید. و دوباره، این برای اعتبار اضافی است. فقط یک بار دیگر به شما یادآوری می کنم که برای چند جلسه اعتبار اضافی دریافت می کنید.

چهار مورد از آنها وجود خواهد داشت، بنابراین اگر فقط یک نفر را نشان دهید، برای آن اعتبار دریافت خواهید کرد. اگر تا چهار نفر را نشان دهید، بدیهی است که نمره نهایی شما را بیشتر تحت تأثیر قرار می دهد، بنابراین هر چه بیشتر بهتر. اما امشب ساعت ۸، در این اتاق، جلسه بررسی اعتبار اضافی خواهیم داشت.

نمره امتحان قبلی، شما باید تا جمعه آن را داشته باشید، امیدوارم، بله. همه آنها درجه بندی شده اند، فقط باید محاسبه شوند. من معمولاً قبل از اینکه TA خود را روی تخته سیاه قرار دهم، ابتدا آنها را بررسی می کنم، بنابراین آنها نزد او رفته اند و امیدوارم تا جمعه روی تخته سیاه باشند.

بله، خوب. بسیار خوب، و من نیز ایمیل زدم، امیدوارم که ایمیلی با راهنمای مطالعه پیوست شده دریافت کرده باشید. همانطور که گفتم، من سعی می کنم یکی را روی تخته سیاه بگذارم.

به دلایلی، رایانه من تمام روز به من اجازه نمی دهد تخته سیاه باشم. مطمئن نیستم چرا، اما به محض اینکه سوار شدم، آن را روی تخته سیاه نیز می گذارم. اما شما باید یک پیوست در ایمیلی که امروز صبح در یک راهنمای مطالعه ارسال کردم داشته باشید.

بنابراین، اگر امشب به جلسه بررسی می آیید، ممکن است بخواهید آن را دانلود کنید یا یک کپی از آن تهیه کنید تا همراه خود داشته باشید.

بسیار خوب، بیا با دعا شروع کنیم. و سپس ما روز دوشنبه شروع به نگاه کردن به کتاب عبرانیان کردیم و سعی خواهیم کرد امروز آن را تمام کنیم.

و همانطور که گفتم، جمعه امتحان شماره سه است که هیچ چیز را در عبرانیان پوشش نمی دهد. از طریق تیتوس به عنوان آخرین نامه پولس که ما در نظر گرفتیم می گذرد. و بنابراین، افسسیان از طریق تیتوس، با فیلیمون با کولسیان به آنجا انداخته شد.

بسیار خوب، بیا با دعا شروع کنیم. ای پدر، ما برای هدیه وحی تو به ما در قالب پسر عیسی مسیح سپاسگزاریم. اما همانطور که قبلاً گفتیم، کتاب مقدس به مسیح و آنچه که او برای ما انجام داده است و پیروی از او در اطاعت و زندگی به عنوان قوم خدا در این دنیا به چه معناست، شهادت می دهد. بنابراین، ما

از شما راهنمایی می‌خواهیم زیرا بخشی از آن وحی را در قالب کتاب عبرانیان در نظر می‌گیریم، به ما حکمت و بینش می‌دهیم و به ما کمک می‌کنیم تا اهمیت آن کتاب را درک کنیم، نه تنها از نظر اینکه اولین خوانندگان چگونه آن را دریافت کرده و آن را درک کرده‌اند، بلکه چگونه می‌خواهید ما به عنوان مردم امروز به آن پاسخ دهیم. به نام عیسی، ما دعا می‌کنیم، آمین.

بسیار خوب، خوب، ما شروع به نگاه کردن به کتاب عبرانیان کردیم، و من به شما پیشنهاد کردم که عبرانیان اساساً برای متقاعد کردن خوانندگان مسیحی یهودی نوشته شده‌اند، که نویسنده گمان می‌کند هنوز مسیح و این رستگاری و ایمان عهد جدید را به طور کامل در آغوش نگرفته‌اند، اما اکنون مدتی است که سعی کرده‌اند برگردند و به دین اجدادی خود بازگردند، به یهودیت، و با این کار به عیسی مسیح و این نجات عهد جدید که عیسی ارائه می‌دهد، پشت می‌کنند.

آنچه نویسنده سعی می‌کند انجام دهد این است که در سراسر کتاب، عیسی مسیح را با نهادها و اشخاص مختلف در متون مقدس عهد عتیق مقایسه می‌کند، در عهد عتیق، نویسنده می‌خواهد نشان دهد که عیسی برتر است زیرا او تحقق را به ارمغان می‌آورد، او وحی خدا را که در ابتدا از طریق متون مقدس عهد کهن آشکار شده بود، به اوج خود می‌رساند. اما با نشان دادن برتری عیسی مسیح، وسیله برتر مکاشفه خدا، نویسنده سعی می‌کند خوانندگان را وادار کند، دوباره به استفاده از عبارتی که من بارها استفاده کرده‌ام، این است که آنها را وادار کند ببینند که اگر به عقب برگردند همه چیز برای از دست دادن دارند و اگر به مسیح ادامه دهند و با ایمان او را در آغوش بگیرند، همه چیز برای به دست آوردن دارند. مهم نیست که چه هزینه. بنابراین دوباره، وقتی عبرانیان را می‌خوانید، نویسنده به طور متناوب شرح و نصیحت می‌کند تا به خوانندگان نشان دهد که عیسی مسیح از موسی برتر است، او از شریعت عهد عتیق برتر است، او از خیمه و معبد عهد عتیق برتر است، او از عهد عتیق، از سیستم قربانی برتر است، با نشان دادن برتری عیسی زیرا آنها را به انجام می‌رساند، سپس او، نویسنده امیدوار است که خوانندگان را متقاعد کند که چرا می‌خواهند به چیزی برگردند که اکنون به شیوه‌ای بزرگتر در شخص عیسی مسیح محقق شده است. بنابراین، اگر به آن پشت کنند، همه چیز برای از دست دادن دارند، و اگر به جلو بروند و مسیح را در آغوش بگیرند، همه چیز برای به دست آوردن دارند.

گفتم شاید به نظر می‌رسد که خوانندگان به نوعی بین پذیرش عیسی مسیح و ایمان به انجیل اما بازگشت به سیستم مذهبی سابق خود در یهودیت در نوسان هستند. شاید بخشی از مشکل به احتمال زیاد این بود که مرزهای بین مسیحیت و یهودیت ممکن است در این زمان تا حدودی مبهم شده باشد، به طوری که دوباره، نویسنده گمان می‌کند که این خوانندگان ممکن است به طور کامل به ایمان کامل به عیسی مسیح و انجیل منتقل نشده باشند، و اکنون به دلایل مختلف در معرض خطر بازگشت هستند. و بنابراین، نویسنده، دیدیم که نویسنده حتی از خود عهد عتیق استدلال می‌کند که عهد عتیق به ماهیت موقت عهد عتیق اشاره کرده است.

این به تحقق بزرگتری اشاره داشت که قرار بود بیاید، و اکنون نویسنده متقاعد شده است که تحقق در شخص عیسی مسیح اتفاق افتاده است، و خوانندگان آن را به خطر می‌اندازند. حالا، بخش بعدی که می‌خواهم به عنوان نمایی از کاری که نویسنده انجام می‌دهد نگاه کنم، عبرانیان فصل‌های 3 و 4 است. در عبرانیان فصل‌های 3 و 4، نویسنده دوباره، در تلاش برای متقاعد کردن خوانندگان خود برای بازگشت به یهودیت و با انجام این کار، پشت کردن به عیسی مسیح و انجیل، در تلاش برای متقاعد کردن آنها، مقایسه یا قیاسی بین اسرائیلی‌ها ایجاد می‌کند، اما در یک دوره زمانی خاص. او به شما یک بررسی یا جارو کردن تمام تاریخ عهد عتیق نمی‌دهد، اما روی آن تمرکز می‌کند.

جالب اینجاست که نویسنده عبرانیان بر یک جنبه از تاریخ اسرائیل تمرکز می‌کند و آن نسل بیابان است، نسلی که مصر را ترک کرد و به سرزمین کنعان آمد، سرزمینی که خدا قول داده بود برای آنها بیاورد. اما اگر

داستان را به یاد داشته باشید که چگونه آنها 12 جاسوس فرستادند و یوشع و کالب تنها کسانی بودند که بازگشتند و مردم را تشویق کردند که همانطور که خدا وعده داده بود، به داخل بروند و زمین را بگیرند، اما مردم ایمان نیاوردند و از خدا نافرمانی کردند و از رفتن به آن سرزمین امتناع ورزیدند و به همین دلیل، خدا آنها را داوری کرد. آنها اساساً به مدت 40 سال در بیابان سرگردان بودند تا آن نسل را بکشند، تا اینکه نسل جدیدی تحت فرمان جاشوا وارد می شود.

اما آن دوره بین خروج مصر در خروج و بالا رفتن به سرزمین موعود، جایی که علیرغم گزارش و تشویق مثبت یوشع و کالیب، اسرائیلی ها از ورود به آن امتناع کردند، آن دوره زمانی است که نویسنده عبرانیان بر آن تمرکز می کند. و او از آن به عنوان یک مدل یا به عنوان یک قیاس استفاده می کند که چیزی شبیه به این را اجرا می کند. او قوم عهد قدیمی خدا را در بیابان مقایسه می کند، کسانی که دوباره از طریق بیابان سفر کردند، از مصر تا سرزمین موعود، و خیمه آنها را در طول راه همراهی کرد.

به یاد داشته باشید، خیمه به نوعی یک معبد قابل حمل است. خیمه جایی است که خدا با قومش ملاقات کرد، و آنها می توانستند در صورت نیاز به جابجایی آن را خراب کنند و سپس آن را دوباره برپا کنند، و این جایی است که خدا با قومش ساکن شد. بعداً، این سازه با یک ساختار دائمی تر، معبد جایگزین شد.

اما نویسنده دوباره، افراد عهد جدید خود را که متعلق به این کلیسای هستند که او خطاب می کند، مقایسه می کند، شاید کلیسای در رم. او آنها را مقایسه می کند، و باز هم عمدتاً از یهودیان در این مرحله ساخته شده اند، با قوم عهد عتیق خدا که مصر را ترک کردند و از طریق بیابان به سرزمین موعود سفر کردند، با این حال آنها شورش کردند و از ورود به داخل خودداری کردند. و آنچه نویسنده انجام می دهد این است که می گوید، او آن را از نظر وعده استراحت مقایسه می کند.

او می گوید، قوم عهد قدیمی خدا، اسرائیلی هایی که در بیابان سرگردان بودند، این به عنوان وعده ای بود که می توانستند به دست آورند، اما نتوانستند آن استراحت را به دست آورند، یعنی نسل بیابان. آنها نتوانستند آن استراحت را به دست آورند. آنها به دلیل نافرمانی و سرکشی از استراحت محروم شدند زیرا از عمل به وعده های خدا امتناع ورزیدند و وارد زمین شدند و استراحت را در سرزمینی که خدا به آنها وعده داده بود تجربه کردند.

و اکنون، او می گوید، خوانندگان عبرانیان، دوباره، به قرن اول، اکنون نویسنده می گوید، شما خوانندگان، شما در خطر ارتکاب همان اشتباه هستید. یعنی، شما نیز وعده استراحت درست در مقابل خود دارید، و شما در خطر ارتکاب همان اشتباه هستید، اما همان اشتباهی را مرتکب نشوید که اجدادتان مرتکب شدند، که آنها نیز در فاصله رسیدن به آن استراحت آمدند، اما آنها نتوانستند آن را با ایمان بپذیرند، آنها نتوانستند از وعده خدا اطاعت کنند، و بقیه را از دست دادند، و در عوض مجازات شدند، و تحت داوری خدا. و اکنون او می گوید، ای خوانندگان عهد جدید، شما نیز اکنون با وعده استراحت روبرو هستید.

وعده ورود به آن استراحت اکنون با شما روبرو است، بنابراین آن را مانند اجدادتان در بیابان منفجر نکنید. خب، آیا شما ارتباط و قیاس را می بینید؟ او، دوباره، اساساً مکاتبه ای بین قوم عهد عتیق خدا می کشد، و اکنون خوانندگان، که آنها نیز یهودی هستند، اما اکنون هستند، دوباره، به طریقی، به نوعی به انجیل پاسخ داده اند، به عنوان قوم خدا در مدار کلیسا قرار گرفته اند. اما دوباره، نویسنده گمان می کند که آنها در معرض خطر انجام همان کاری هستند که مردم عهد عتیق انجام دادند، که درست در حال آمدن است، و به نقطه ای که آنها دوباره، تقریباً در فاصله نزدیک به وعده هستند، تقریباً آماده هستند تا آن را با ایمان بپذیرند.

آنها در آستانه تحقق وعده استراحت خدا ایستاده اند. با این حال، دوباره، قوم عهد عتیق خدا از اطاعت امتناع می کنند. آنها از ورود به آن استراحت امتناع می کنند.

آنها از عمل و پاسخ اعتقادی امتناع می ورزند. و اکنون نویسنده نمی خواهد تاریخ به گونه ای تکرار شود، با اینکه خوانندگانش مرتکب همان اشتباه شوند، و وارد بقیه مواردی که اکنون در دسترس آنها است نشوند. شما می توانید ببینید که چه چیزی وجود دارد، بنابراین، چه، آنچه در حال وقوع است این است که استراحت فیزیکی که اسرائیل در عهد عتیق باید با ورود به زمین تجربه می کرد، به یک معنا، نوعی یا پیش بینی استراحت بزرگتری بود که اکنون از طریق عیسی مسیح در دسترس است.

بنابراین، آنچه نویسنده به خوانندگان عبرانیان خود می گوید این است که بقیه ای که شما در شرف ورود به آن هستید وارد یک سرزمین خاص نیست، بلکه اکنون همان چیزی است که سرزمین نماد آن بود و آنچه در عهد عتیق به آن اشاره کرد، یعنی استراحت و نجاتی که عیسی مسیح به ارمغان می آورد اکنون در دسترس خوانندگان عبرانیان است. و دوباره، او، او آنها را می خواهد، پیام این است که به عنوان افراد عهد جدید، نویسنده سعی می کند خوانندگانش را وادار کند، او سعی می کند بگوید، آن را منفجر نکنید. همان اشتباهی را مرتکب نشوید که اجداد عهد عتیق شما در بیابان مرتکب شدند، که از ایمان و اطاعت امتناع کردند.

و بنابراین، آنها بقیه را وارد نکردند. اکنون، خوانندگان عبرانیان نیز وعده استراحت را دارند، یعنی استراحت در عیسی مسیح. اما اگر با ایمان پاسخ ندهند و عیسی مسیح را در آغوش نگیرند، در معرض خطر ارتکاب همان اشتباه هستند.

و در عوض، اگر به دین قدیمی و قدیمی اجدادی خود برگردند. اما، اما، اما آیا بقیه را که نویسنده می بینید، و متوجه می شوید که وقتی فصل های سوم و چهارم را می خوانید، چند بار از کلمه استراحت استفاده می شود؟ زیرا، دوباره، برای قوم عهد عتیق خدا در اسرائیل، بقیه به طور فیزیکی در زمین استراحت می کردند، در زمین ساکن می شدند، و از دشمنان استراحت می کردند، و از برکات خدا لذت می بردند. اما، نویسنده عبرانیان می گوید که این فقط نوعی یا پیش بینی بود و به استراحت بزرگتری اشاره کرد که اکنون از طریق عیسی مسیح می آید.

و بقیه ای که اکنون در دسترس مسیحیان عبری است، خوانندگان عبرانیان، بقیه ای که در دسترس آنها است، استراحت در مسیح، اعتماد به مسیح برای نجات، و برکات نجاتی است که او فراهم می کند. اما آنها در معرض خطر از دست دادن آن و نادیده گرفتن آن هستند اگر مانند اجداد خود رفتار کنند و از پاسخ دادن با ایمان و اطاعت از وعده خدا امتناع کنند. حالا، فصل های سوم و چهارم، این همه نوع پیامدهایی دارد که من نمی خواهم در حال حاضر به آنها بپردازم.

اما، به عنوان مثال، مسئله سبت، آیا مسیحیان قرار است یک روز را به عنوان سبت رعایت کنند؟ در عهد عتیق و در سراسر یهودیت، آنها روز هفتم را به عنوان روز سبت بر اساس خلقت که کنار می گذاشتند، رعایت می کردند. جالب اینجاست که در جایی در طول خطوط، مسیحیان و کلیسا در روز یکشنبه شروع به ملاقات می کنند، و برخی تعجب کرده اند که آیا اینطور بوده است، آیا این نوع سبت جدید مسیحی است. آیا مسیحیان باید امروز یک روز استراحت یا سبت را رعایت کنند؟ به نظر من، دوباره، خوشحال می شوم بعداً در این مورد صحبت کنم. به نظر من، پاسخ به آن منفی است.

من فکر می کنم عهد جدید، و کتابی مانند عبرانیان فصل های سوم و چهارم روشن است، آن روز استراحت که اسرائیلی ها مشاهده کردند، که یک روز از هفته، اکنون در نهایت در بقیه چیزهایی که ما در عیسی مسیح تجربه می کنیم، محقق شده است. بنابراین، ما سبت را با ایمان به مسیح، با استراحت در مسیح، و با اعتماد به او برای نجات خود، طبق فصل های سوم و چهارم، انجام می دهیم. بنابراین، به یک معنا،

همانطور که یک بار کسی به من گفت، هر روز برای مسیحیان سبت است، زمانی که ما به مسیح ایمان می آوریم، و همانطور که نویسنده عبرانیان می گوید، وقتی از کارهای خود دست برداریم، و به مسیح ایمان می آوریم، این استراحت را برآورده می کنیم، این استراحت را در آغوش می گیریم، قصد واقعی استراحت سبت را که خدا برای قومش فراهم کرده است، به انجام می رسانیم.

و آنچه پیش بینی می کرد اکنون در نجاتی که عیسی مسیح فراهم می کند محقق شده است. من فکر می کنم دلیل اینکه کلیسا در روز یکشنبه برای پرستش تشکیل جلسه می دهد این است که آن روزی است که عیسی از مردگان برخاست، و این روزی است که ما رستاخیز عیسی را جشن می گیریم. اگرچه، همانطور که برخی از شما ممکن است بدانید، همانطور که کلیساها شروع به رشد و بزرگتر شدن می کنند، بسیاری از کلیساهای بزرگتر نیز در روز شنبه مراسم عبادی دارند، که کاملاً خوب است.

اما دوباره، به نظر من مسیحیان فراخوانده نمی شوند که حتی یک روز را به عنوان نوعی سبت جدید جشن بگیرند. ما فراخوانده شده ایم که استراحت کنیم و به مسیح اعتماد کنیم تا نجاتمان به عنوان تحقق سبت باشد. بسیار خوب، اما نکته اصلی این است که همه می بینند که همبستگی یا ارتباط، کاری که نویسنده انجام می دهد، او سعی می کند مقایسه کند، او از عهد عتیق استفاده می کند، دقیقاً آن، آن بخش از زندگی عهد عتیق اسرائیل.

هنگامی که آنها مصر را ترک کردند و از دریای سرخ عبور کردند، در بیابان سرگردان شدند تا سرزمین کنعان، با این حال از ورود به داخل خودداری کردند. نویسنده از آن به عنوان الگو یا نمونه ای برای خود، خوانندگانش یا به نوعی به عنوان نوعی خوانندگانش استفاده می کند و سعی می کند آنها را به دست بیاورد، همان اشتباه را مرتکب نمی شود. در عصر تحقق مسیح، شما نیز وعده استراحت دارید، اما آن را مانند اجدادتان منفجر نکنید و از ایمان آوردن و ورود به آن استراحت امتناع کنید.

و همانطور که گفتم، بعدها، بعدها در عبرانیان، نویسنده عیسی را با سیستم قربانی مقایسه خواهد کرد. و جالب اینجاست که مدل اصلی او برای آن در درجه اول معبد نیست، بلکه خیمه است. همانطور که در آخرین دوره کلاس اشاره کردم، برخی، برخی پیشنهاد می کنند، خوب، عبرانیان، این بدان معناست که کتاب عبرانیان باید پس از تخریب معبد در سال 70 پس از میلاد نوشته شده باشد.

70 پس از میلاد یک تاریخ مهم در مسیحیت اولیه است. این زمانی بود که معبد اورشلیم ویران شد و دوباره تصرف شد. اما به احتمال زیاد معبد ممکن است در این زمان به خوبی پابرجا بوده باشد.

دلیل اینکه نویسنده از خیمه به عنوان الگوی خود استفاده می کند، زمانی که وقتی می خواهد مسیح را با سیستم قربانی و کشیشی مقایسه کند، به توصیف خیمه تکیه می کند، نه چندان معبد. دلیل اینکه او این کار را انجام می دهد این است که فکر نمی کنم به این دلیل باشد که لزوماً به این دلیل است که معبد ویران شده است، اما باز هم به این دلیل که او ویران شده است، او بر نسل بیابان به عنوان الگوی اصلی خود تمرکز می کند. و بنابراین، نسل بیابان در معبد عبادت نمی کرد.

آنها خیمه ای را حمل می کردند که چندین بار برای شما برپا کرده بودند. بنابراین، من فکر می کنم به همین دلیل است که نویسنده به خیمه متوسل می شود زیرا او نیست، او نیست، او به کل عهد عتیق و کل زندگی یهودیت اشاره نمی کند. او روی آن یکی تمرکز می کند، آن بخش از زندگی اسرائیل عهد عتیق.

این نسل بیابان است که مصر را ترک کرد و به سرزمین موعود سفر کرد. در آن زمان، آنها برپا شدند و از بین بردند و خدا را از طریق خیمه پرستش کردند. و به همین دلیل است که نویسنده به خیمه متوسل می

شود زیرا او بر نسل بیابان به عنوان نوعی الگویی برای هشدار می دهد تمرکز می کند که همان کاری را که انجام دادند انجام ندهند و این استراحت وعده داده شده را از دست بدهند.

حالا، فصل های سوم و چهارم موضوع دیگری را نیز مطرح می کنند، و آن این است که فصل های سوم و چهارم در واقع شامل دومین قسمت از حدود نیم دوجین قسمت هشدار دهنده است. اگر به یاد داشته باشید، مسابقه ای که اخیرا انجام دادید، حدس می زنم روز دوشنبه، مسابقه بر سر عبرانیان بود، یکی از سؤالات مربوط به اینکه یکی از ویژگی های مشخصه عبرانیان چیست، و آن هشدارهای شدید است. در سراسر چشم انداز عبرانیان، این هشدارهای نسبتا سختگیرانه یا بهتر است بگوییم تیزها به خوانندگان پراکنده شده است.

و دوباره، اگر خوانندگان بخواهند به عیسی مسیح پشت کنند و به سمت دیگری بروند و به عهد قدیمی، مذهب اجدادی خود بازگردند، این قسمت های هشدار دهنده به یک معنا برای شوکه کردن خوانندگان، بیدار کردن آنها و وادار کردن آنها به دیدن خطر کاری که انجام می دهند یا کاری که می خواهند انجام دهند، منطقی است. و بنابراین، شما تعدادی از این قسمت های هشدار دهنده نسبتا سختگیرانه یا سختگیرانه را دارید که باز هم به خوانندگان هشدار می دهند که اگر از پذیرش عیسی مسیح و انجیل امتناع کنند، و اگر به هر دلیلی بخواهند برگردند و در عوض به دین اجدادی خود بازگردند، چه کاری انجام می دهند. یکی از معروف ترین آن قسمت های هشدار دهنده، فکر می کنم قبلا این را خوانده ایم، اما دوباره آن را می خوانم، در فصل 6 یافت می شود. و نویسنده می گوید که از آیه 4 شروع می کنم، آیه 8 را می خوانم. پس این عبرانیان 6، 4 تا 8 است. این یکی از آن قسمت های هشدار دهنده یا یکی از آنها، به یاد داشته باشید، عبرانیان بین شرح و نصیحت می چرخد.

نصیحت ها معمولا حاوی یکی از این هشدارهای نسبتا شدید هستند یا شامل آن هستند. و به این یکی گوش دهید. زیرا غیرممکن است که کسانی را که زمانی روشن ضمیر شده اند، طعم هدیه آسمانی را چشیده اند، روح القدس را به اشتراک گذاشته اند، خوبی کلام خدا و قدرت های عصر آینده را چشیده اند، و سپس از بین رفته اند، زیرا به تنهایی دوباره پسر خدا را به صلیب می کشند، و او را در معرض شرم یا تحقیر عمومی قرار می دهند.

زمینی که باران را می نوشد، بارها بر آن می بارد، و سپس محصولات مفید برای کسانی که برای آنها کشت می شود، تولید می کند، از خداوند برکت می گیرد. اما اگر آن زمین خار و خار تولید می کند، بی ارزش است، و در آستانه نفرین شدن است، در پایان، سوزانده خواهد شد. بنابراین این پیام او به خوانندگانی است که به فکر بازگشت از انجیل و بازگشت به یهودیت هستند.

حال، در این متن چه می گذرد؟ راه های مختلفی وجود داشته است، و دوباره، این تنها یکی از چندین قسمت هشدار دهنده است، اما نسبتا شناخته شده است. این افرادی که خواننده می گوید روشن ضمیر شده اند، هدیه آسمانی را چشیده اند، در خوبی کلام خدا سهیم شده اند، روح القدس را دریافت کرده اند، و اکنون از بین رفته اند، و در نهایت، با انجام این کار، عیسی مسیح را در معرض تحقیر عمومی قرار می دهند، و در پایان، آنها در معرض خطر سوختن هستند. منظورم این است که این چه کسی است که نویسنده توصیف می کند؟ در طول تاریخ مسیحیت، روش های مختلفی برای توصیف این متون هشدار دهنده یا این هشدارهای نسبتا سختگیرانه وجود داشته است.

باز هم، در اینجا یکی دیگر است. این یکی در واقع حتی کمی شدیدتر از چیزی است که من خواندم، همانطور که او می گوید، آیه 26. باز هم، او همان خوانندگان را خطاب قرار می دهد، اما اکنون نحوه برخورد او با آنها آمده است.

در اینجا نحوه هشدار او به آنها آمده است. زیرا اگر ما عمدا در گناه پافشاری کنیم، پس از اینکه دانش حقیقت را دریافت کردیم، دیگر قربانی گناهان باقی نمی ماند، بلکه فقط چشم انداز ترسناک قضاوت و خشم آتش است که دشمنان را می بلعد. هر کسی که شریعت موسی را زیر پا گذاشته باشد، بدون رحمت و به شهادت دو یا سه شاهد می میرد.

فکر می کنید چه مجازاتی بدتر برای کسانی که پسر خدا را رد می کنند، کسانی که خون عهده را که به وسیله آن تقدیس شده اند بی حرمت می کنند و روح فیض را خشمگین می کنند، سزاوار خواهد بود؟ زیرا ما کسی را می شناسیم که می گوید: انتقام مال من است، من آن را پس خواهم داد. و دوباره، خداوند مردم خود را داوری خواهد کرد. افتادن به دست خدای زنده چیز ترسناکی است.

نویسنده اینگونه با خوانندگان خود خطاب می کند. بنابراین، این افرادی که روشن ضمیر شده اند، دانش حقیقت را دریافت کرده اند، اما اکنون در خطر سقوط یا رد پسر خدا هستند. او چه کسی را توصیف می کند؟ باز هم، از نظر تاریخی راه های مختلفی برای توصیف این هشدارها وجود داشته است. برخی پیشنهاد کرده اند که من می دانم ترتیب در این اسلاید کاملاً به ترتیب یادداشت های شما نیست، اما مطمئن نیستم که چرا این کار را کردم، اما به هر حال، شما به نوعی باید از یادداشت های خود بگذرید.

دیدگاه اول این است که برخی پیشنهاد کرده اند که این هشدارها فقط فرضی هستند. یعنی واقعا نمی توانستند اتفاق بیفتند، اما این فقط از نظر بلاغی نوعی روش نویسنده برای بیدار کردن خوانندگان است. انگار او می گوید که واقعا نمی تواند اتفاق بیفتد، اما اگر می توانست، اگر واقعا می توانستید از بین بروید، و اگر می توانستید پسر خدا را رد کنید، این چیزی است که اتفاق می افتد.

اما واقعا نمی تواند، بنابراین شما چاره ای ندارید جز اینکه به عیسی مسیح ادامه دهید و به او پاسخ دهید. بنابراین، برخی می گویند، ما نیازی به نگرانی بیش از حد در مورد این هشدارها نداریم زیرا آنها فقط سناریوهای فرضی هستند که واقعا اتفاق نمی افتند. دیدگاه احتمالی دیگر این است که این مسیحیان واقعی را توصیف می کند که در واقع نجات خود را از دست می دهند و از دست می دهند.

یعنی در یک نقطه، آنها با ایمان به عیسی مسیح پاسخ داده اند، و آنها همان چیزی هستند که ما امروز می گوئیم مسیحیان واقعی هستند، اما با روی گرداندن از عیسی مسیح و امتناع از ایمان به او، در واقع آن نجات را از دست می دهند یا از دست می دهند. دیگر به واقعیت تبدیل نمی شود. آنها دیگر قوم خدا نیستند.

آن نجاتی را که زمانی تجربه کردند و در اختیار داشتند، اکنون از دست داده اند و تسلیم شده اند زیرا اکنون گناه کرده اند و به عیسی مسیح پشت کرده اند. این اغلب به عنوان دیدگاه ارمنی شناخته می شود. دیدگاه ارمنی به دلیل ارتباط تاریخی با فردی به نام یعقوب آرمینیوس نامگذاری شده است که به دلیل تأکید بر نیاز به اطاعت و مسئولیت انسانی شناخته شده بود و اگر این اتفاق نیفتد، می توان نجات خود را از دست داد.

بنابراین، گاهی اوقات این دیدگاه ارمنی نامیده می شود. اما دوباره، آنها می گفتند، این دو متنی که من خواندم افرادی را توصیف می کند که زمانی واقعا مسیحی بودند، قوم خدا، اما اکنون دیگر چنین نبوده اند. آن نجات اکنون وجود دارد، آنها آن را از دست داده اند و آن را به دلیل امتناع از اطاعت از دست داده اند.

دیدگاه مخالف به عنوان کالوینسم شناخته می شود، که دیدگاهی است که اغلب با برخی از تفکرات جان کالوین مرتبط است یا به آن برمی گردد، که بر حاکمیت خدا، فیض خدا، و توانایی خدا برای حفظ ما و توانایی خدا، یعنی نجات از ابتدا تا انتها در درجه اول کار خداست، پس چگونه می توان آن را ناامید کرد؟ چگونه می توان آن را خنثی کرد؟ و بنابراین، آنها می گفتند، افرادی که نویسنده آنها را مخاطب قرار می دهد،

اگرچه ممکن است به نظر برسد که نجات یافته اند، اما در واقع اینطور نبودند. این واقعیت که آنها به عیسی مسیح پشت می کردند نشان می دهد که در وهله اول واقعا نجات پیدا نکرده اند. بنابراین هر چقدر هم که به نظر برسد که آنها قوم خدا هستند و نجات را در رابطه با عیسی مسیح تجربه کرده اند، این واقعیت که آنها مایل به رد پسر خدا یا کنار رفتن، همانطور که این هشدارها می گویند، ثابت می کند که آنها در وهله اول واقعا نجات نیافته اند یا قوم خدا نبوده اند.

این گزینه دیگری است. باز هم، معمولا این دو دیدگاه اصلی در طول تاریخ کلیسا هستند و به نوعی با یکدیگر در تضاد بوده اند. احتمال چهارم این است که نویسندگان، برخی پیشنهاد کرده اند، که در حالی که نویسندگان واقعا در مورد نجات صحبت نمی کنند، او در مورد پاداش صحبت می کند.

بنابراین، این مردم، این افرادی که سقوط می کنند یا در خطر سوختن هستند، اگر از استعاره استفاده کنیم، یا کسانی که مسیح را رد می کنند و در خطر وجود هستند، به دست خدای خشمگین می افتند، اینها افرادی هستند، این توصیف است که نجات خود را از دست نمی دهید. این به سادگی توصیف از دست دادن پاداش است. بنابراین، اینها مسیحیان هستند، فقط به اندازه کسانی که اطاعت می کنند، پاداش یا برکت نخواهند داشت.

و راه های مختلفی برای درک آن وجود دارد. برخی می گویند که در حال حاضر به اندازه برکات زیادی نخواهند داشت، برخی می گویند نه در آینده، آنها هنوز در بهشت خواهند بود، اگر از اصطلاحات رایج استفاده کنیم، اما به اندازه کسانی که به ایمان به عیسی مسیح پاسخ داده اند، پاداش نخواهند داشت. بنابراین اینها چهار گزینه اصلی هستند.

من با تعداد انگشت شماری دیگر روبرو شده ام که به اندازه اینها رایج نیستند. باز هم، آخرین مورد، فکر می کنم اولین و آخرین مورد احتمالا از نظر من مشکل سازترین هستند. یعنی اولین مورد دشوار است زیرا فکر می کنم نویسنده ای که یک کلمه نصیحت در پرداختن به موضوعی مانند این می نویسد، به سادگی سناریوی فرضی ارائه می دهد که واقعا نمی تواند اتفاق بیفتد.

به هر حال این هشدارها را بپذیریم، به نظر من نویسندگان به آنها هشدار می دهد که واقعا ممکن است اتفاق بیفتد، نه چیزی که فرضی است. به نظر من، انواع دیگری از مشکلات در این دیدگاه وجود دارد، اما فکر می کنم زبان فقط کمی بیش از حد نوک زده و شدید است که نمی توان آن را فقط به از دست دادن پاداش تقلیل داد. وقتی او در مورد افتادن و در پایان، سوختن و مصلوب کردن پسر خدا، رد کردن پسر خدا، افتادن به دست خدای عادل، و افتادن تحت داوری صحبت می کند، به نظر نمی رسد که این زبان باشد، اوه، شما فقط پاداش را از دست می دهید.

به نظر می رسد که این مجازات و قضاوت ابدی است. بنابراین، فکر می کنم متقاعد نشده ام که آخرین مورد نیز واقعا مناسب باشد. بنابراین، به یک معنا، می توانیم بگوییم، خوب، کدام یک از این دو را باید بفهمیم؟ قبل از اینکه به آن نگاه کنم، اجازه دهید چند سوال را مطرح کنم و سپس می خواهم به فصل ششم برگردم، اولین موردی که خواندم، و فقط مثالی از نحوه خواندن آن و نحوه درک آن به شما بیاورم.

اول از همه، یکی از پرسش ها این است که خوانندگان در خطر ارتکاب چه گناهی هستند؟ به عبارت دیگر، در مورد این قسمت های هشدار دهنده چه چیزی می توانیم مطمئن باشیم؟ اول از همه، آنها در خطر ارتکاب چه گناهی هستند؟ به نظر من، از آنجا که تعدادی پیشنهاد در طول تاریخ کلیسا وجود داشته است، برخی از خود پرسیده اند، خوب، آیا گناه سقط جنین واجد شرایط است یا خودکشی واجد شرایط است؟ آیا عدم شرکت در مراسم عشاء ربانی یا شرکت در آیین های مقدس، عدم تعمید گرفتن واجد شرایط ارتکاب گناه است؟ آیا این گناهی است که نویسندگان در مورد آن صحبت می کنند؟ به نظر من وقتی آن را در

متن قرار می دهید گناهی که نویسنده در مورد آن صحبت می کند صرفاً امتناع آشکار از پاسخ دادن در اطاعت و ایمان به عیسی مسیح است. این یک رویگردانی عمدی و آگاهانه از عیسی مسیح است. به یاد داشته باشید که نویسنده در آخرین موردی که خواندم چه گفت، اگر ما عمداً به گناه ادامه دهیم، بنابراین این کاری است که خوانندگان آگاهانه انجام می دهند.

یعنی آگاهانه و آگاهانه به عیسی مسیح پشت می کنند و از پاسخ دادن با ایمان و اطاعت خودداری می کنند. پس این اولین چیز است. این یک چیز ناخودآگاه یا تصادفی نیست و نباید با یک گناه خاص شناخته شود.

نویسنده در درجه اول کسانی را مخاطب قرار می دهد که همانطور که او گفت، روشن ضمیر شده اند و به شناخت عیسی مسیح رسیده اند، اما اکنون عمداً روی برمی گردند و به آن پشت می کنند و آن را صریحاً رد می کنند. این اشتباهی است که عیسی در ذهن دارد. بنابراین، وقتی کسی از من می پرسد، تعجب می کنم، آیا من این کار را انجام داده ام؟ من به سادگی از آنها می پرسم، آیا این کار را انجام دادید؟ آیا عمداً عیسی مسیح را رد می کنید و به او پشت می کنید و نمی خواهید هیچ کاری با او داشته باشید؟ این تنها سناریویی است که نویسنده عبرانیان به آن می پردازد.

سوال دومی که در برنامه درسی شما ذکر کردم این است که خوانندگان چه کسانی هستند؟ دوباره، فکر می کنم، و اینجاست که به نوعی شروع به درک این قسمت های هشدار می کنم. باز هم، من فکر می کنم که این خوانندگان، حداقل اکثر آنها، نویسنده گمان می کند، هنوز به طور کامل عیسی مسیح را در آغوش نگرفته اند. یعنی، در این انتقال از عهد قدیمی به عهد جدید، او گمان می کند که برخی از آنها، همانطور که گفتم، به نوعی متزلزل هستند.

آنها هنوز عیسی مسیح را با ایمان به طور کامل در آغوش نگرفته اند. و اکنون آنها هنوز در نقطه ای هستند که مایل هستند به عقب برگردند و به مذهب اجدادی خود بازگردند و آنچه را که در انجیل می دانند و تجربه کرده اند و حتی بخشی از کلیسا هستند رد کنند. آنها در مدار، در حوزه کلیسا و انجیل آمده اند، و چیزهای زیادی را تجربه کرده اند، اما اکنون مایلند پشت کنند و به دین اجدادی خود بازگردند.

بنابراین، من می گویم، این افراد هنوز کاملاً با ایمان به عیسی مسیح پاسخ نداده اند و هنوز کاملاً انجیل را نپذیرفته اند. و نویسنده، به یک معنا، می خواهد به آنها ضربه بزند تا آنها را به آخرین مرحله سوق دهد تا عیسی مسیح را در این عهد جدید نجات در ایمان در آغوش بگیرند. اما در عوض، آنها در معرض خطر هستند که مانند اجداد عهد عتیق خود عمل کنند که آنها نیز در آستانه ورود به سرزمین موعود بودند، با این حال به دلیل بی ایمانی به دلیل شورش و سنگدلی امتناع می کنند، از ورود به آن استراحت امتناع می کنند.

در واقع، من فکر می کنم نویسنده عبرانیان نیز همین را می گوید. در فصل 4 و آیه 2، این یکی از آیات کلیدی برای من برای درک اینکه خوانندگان چه کسانی هستند، وضعیت معنوی آنها و نحوه ارتباط آنها با عهد عتیق است. نویسنده، این در فصل های 3 و 4 است، بخشی از آن متنی که ما فقط به آن نگاه می کردیم، جایی که نویسنده به وضوح خوانندگان خود را با مردم عهد عتیق که در بیابان سرگردان بودند، مقایسه می کند.

بنابراین، او می گوید، در حالی که وعده ورود به استراحت خدا هنوز باز است، و او به خوانندگان می گوید که استراحت موعود، که اکنون برای نجات به مسیح اعتماد می کند و در آن استراحت می کند، که استراحت موعود هنوز باز است، بیایید مراقب باشیم که هیچ یک از شما در رسیدن به آن شکست خورده اید. برای در واقع، مژده از انجیل به ما فقط به عنوان به آنها آمد. موضوع مردم عهد عتیق است که از بیابان عبور کردند و به سرزمین موعود آمدند اما از ورود به آن امتناع کردند.

او می گوید، زیرا در واقع، مژده به ما رسید، همانطور که برای آنها آمد. یعنی آنها مژده داشتند، مژده، ورود به این آرامگاه، وعده ای که خدا فراهم کرده بود. با این حال، پیامی که شنیدند سودی برای آنها نداشت زیرا آنها آن پیام را با ایمان ترکیب نکردند.

زیرا ما که ایمان داریم درست همانطور که خدا گفته است، وارد آن استراحت می شویم. بنابراین، به این عبارت توجه کنید، مردم عهد عتیق خدا ظاهراً واقعا ایمان نداشتند. یعنی آنها پیامی را که شنیدند، این خبر خوش، این انجیل، بقیه و وعده ای که خدا داده بود، ترکیب نکردند.

آنها آن را نپذیرفتند و آن را با ایمان ترکیب نکردند. و اکنون فکر می کنم نویسنده گمان می کند که خوانندگانش در یک قایق هستند. آنها نیز انجیل را موعظه کرده اند، اما هنوز این رابطه را از طریق ایمان محکم نکرده اند.

آنها هنوز به طور کامل پاسخ نداده اند و مژده آن مژده را با ایمان در آغوش نگرفته اند. و این همان چیزی است که خواننده سعی می کند آنها را وادار به انجام آن کند. و دوباره، او این کار را بارها و بارها انجام می دهد و نشان می دهد که عیسی مسیح از هر نظر برتر از همه افراد، نهادها، رویدادها، قربانی ها، خیمه و غیره عهد عتیق است.

عیسی مسیح تحقق همه اینها است. پس چرا آنها می خواهند به آن برگردند؟ وقتی واقعیتهایی که به آن اشاره کرد، عیسی مسیح و نجات و بقیه ای که او به ارمغان می آورد، اکنون در دسترس است. چرا آنها می خواهند، چگونه می توانند آن را از دست بدهند؟ چرا آنها می خواهند به آن پشت کنند؟ بنابراین، من فکر می کنم که این خوانندگان باز هم یهودیانی هستند که باز هم به نوعی به انجیل پاسخ داده اند، در مدار کلیسا قرار گرفته اند و همه این چیزها را تجربه کرده اند، با این حال، در عین حال، نویسنده هنوز گمان می کند که هنوز آن را به طور کامل در ایمان نپذیرفته اند.

و آنها در خطر بازگشت هستند. بنابراین، چه چیزی است که آنها در معرض خطر از دست دادن هستند؟ باز هم، من فکر می کنم که آنها در خطر از دست دادن انجیل هستند. این فقط از دست دادن پاداش نیست، بلکه آنها در معرض خطر از دست دادن کامل این انجیل، نجات، نجات عهد جدیدی هستند که عیسی اکنون به خوانندگانش ارائه می دهد و ارائه می دهد.

حال، برای اینکه مثالی از یکی از هشدارها به شما بدهیم، بیایید به عبرانیان فصل ۴ و به ویژه فصل های ۴ تا ۶ برگردیم. عبرانیان ۴، ۴ تا ۶، که سومین هشدار است، هشدار اصلی. یکی در فصل ۲ و سپس یکی در فصل ۳ و ۴ وجود دارد. سپس مورد سوم در فصل ۶ به اینجا می آید. سپس در واقع دو قسمت هشدار دهنده دیگر در عبرانیان وجود دارد. اما این یکی رایج ترین و شناخته شده ترین است.

زیرا غیرممکن است که کسانی را که زمانی روشن ضمیر شده اند، طعم هدیه آسمانی را چشیده اند، در روح القدس سهیم شده اند، خوبی کلام خدا و قدرت های عصر آینده را چشیده اند، و سپس از بین رفته اند. از آنجایی که آنها به تنهایی دوباره پسر خدا را مصلوب می کنند و او را تحقیر می کنند. زمینی که در باران می نوشد و روی آن می بارد و محصولی تولید می کند که برای کسانی که آن را کشت می کنند مفید است، برکت دریافت می کند.

اما زمینی که باران می گیرد اما خار و خار تولید می کند بی ارزش است، در خطر نفرین شدن است و در نهایت نابود و سوزانده می شود. حالا، در این متن چه می گذرد؟ چیزی که می خواهم روی آن تمرکز کنم این است که چگونه این توصیفات را درک می کنیم. آنها روشن ضمیر شده اند، آنها هدیه آسمانی را چشیده اند،

آنها قدرت های عصر آینده را تجربه کرده اند، آنها طعم روح القدس و کلام خوب را چشیده اند، با این حال از بین می روند. اینها عباراتی هستند که می خواهم روی آنها تمرکز کنم.

بنابراین، دوباره، به ترتیبی که رخ می دهند، روشن ضمیر شده اند، هدیه آسمانی را چشیده اند، در روح القدس سهیم شده اند، خوبی کلام خدا را چشیده اند، قدرت های عصر آینده را چشیده اند، و سپس از بین می روند. فکر می کنید چرا نویسنده خوانندگان خود را اینگونه توصیف می کند؟ باز هم فکر می کنم او به خوانندگان اشاره می کند، کسانی که در قرن اول بودند، شاید در رم، یهودیان و مسیحیان یهودی که به آنها پاسخ می دادند یا به آنها می نوشتند. چرا آنها را اینگونه توصیف می کند؟ یا راه دیگری برای گفتن آن این است که این عبارات در ذهن شما چه چیزی را به یاد می آورند؟ شاید فقط یک زن و شوهر.

من فکر می کنم ساده ترین آنها دومی است. این چه صدایی دارد؟ چه کسی دیگر طعم هدیه آسمانی را چشید؟ ما آن را در جایی در کتاب مقدس محدود می کنیم. اسرائیلی ها، چه زمانی این کار را کردند؟ در خروج، و هدیه آسمانی چه بود؟ من از آسمان.

بارها و بارها، من از آسمان به عنوان هدیه ای از آسمان توصیف می شود، هدیه ای که از آسمان نازل می شود، چیزی که خدا به آنها می دهد. این نشانه ای از رزق و روزی و برکت او بود. بیایید به اولی برگردیم.

در مورد روشن ضمیر بودن چطور؟ حالا که شما به نوعی روی کمی بیشتر تمرکز کرده اید، در مورد روشن شدن این عبارت چطور؟ به همین سناریو فکر کنید. و به هر حال، قبل از اینکه به آن پاسخ دهیم، کدام نسل از اسرائیلی ها سقوط من از آسمان را تجربه کردند؟ کسانی که از خروج در بیابان سرگردان بودند. بنابراین نویسنده هنوز از نسل بیابان استفاده می کند، حتی اگر این را به طور خاص نگوید.

آنها کسانی هستند که طعم هدیه آسمانی، ما را چشیدند. در مورد روشن ضمیر بودن چطور؟ به همان نسل، همان داستان فکر کنید. این شاید منعکس کننده چه چیزی باشد؟ اسرائیلی ها از کجا فهمیدند که چه زمانی باید این خیمه را جمع کنند و بیرون بروند؟ خدا به آنها شریعت داد که طعم خوبی کلام خدا را چشید.

ما از آن یکی مراقبت کرده ایم. بنابراین، چشیدن خوبی کلام خدا با دریافت شریعت توسط اسرائیل مطابقت دارد. چه چیز دیگری؟ در این مورد چطور؟ آری، ستون آتشی که نور را برای بنی اسرائیل فراهم کرد.

خوب. در مورد مشارکت در روح القدس چطور؟ منظورم این است که مطمئناً آنها این کار را نکردند. روح القدس چیزی است که ما امروز به عنوان کلیسا داریم، اما مطمئناً اسرائیلی ها روح القدس را نداشتند، اینطور نیست؟ یا آنها این کار را کردند؟ وقتی به عقب برمی گردید و داستان سفر اسرائیلی ها به بیابان را می خوانید، اشاره ای به دریافت روح القدس وجود دارد.

اشاره ای به اشعیا فصل 63 وجود دارد که به دریافت روح القدس توسط اسرائیلی ها اشاره دارد. بنابراین، اسرائیلی ها نیز در نسل بیابان، شاهد کار روح القدس بودند. در مورد قدرت های عصر آینده چطور؟ این نه چندان عصر آینده، بلکه اشاره به قدرت ها است.

این ممکن است در تجربه اسرائیل چه چیزی را به یاد بیاورد؟ چه قدرت ها یا شگفتی ها، یا راه دیگری برای ترجمه این معجزه خواهد بود. چه حدس می زنید؟ چه چیزی در بیابان معجزات یا قدرت هایی را که آنها تجربه می کردند تشکیل می داد؟ بسیار خوب. مانند شفای ماوراء طبیعی که هنگام گزش مارها اتفاق افتاد.

در مورد خروج از دریای سرخ چگونه؟ تدارک انسان. فقط تعدادی از چیزهایی که جالب اینجاست که چند مزامیر که به آنچه خدا برای اسرائیل انجام داد اشاره می کنند، به آنها به عنوان قدرت یا معجزه اشاره می کنند. چندین رویداد.

تو درست می گویی. احتمالا به یک چیز اشاره نمی کند، بلکه به تمام راه هایی اشاره می کند که خدا به طور معجزه آسایی از طرف قومش عمل کرد و آنها را فراهم کرد. و سپس سقوط احتمالا با چه چیزی مطابقت دارد؟ باز هم، با فکر کردن به نسل بیابان و داستانی که چندین بار خلاصه کرده ام، سقوط در تاریخ نسل بیابان با چه چیزی مطابقت دارد؟ به یاد داشته باشید، خدا آنها را در بیابان هدایت می کند، جایی که همه این چیزها را تجربه می کنند.

آنها توسط ستون آتش هدایت می شوند تا راه خود را روشن کنند. خدا من را به عنوان هدیه ای آسمانی فراهم می کند. او روح القدس را نیز به آنها می دهد.

آنها طعم کلام خدا، کلام نیک او را می چشند، که شریعت است. آنها قدرت ها و معجزاتی را که خدا انجام می دهد تجربه می کنند. و سقوط با چه چیزی مطابقت دارد؟ راست.

دقیقا درست است. آنها نمی توانند به زمین بروند. بنابراین، اینجا چه خبر است؟ من فکر می کنم نویسنده عمدا این کلمات را انتخاب کرده است تا نشان دهد که به همان روشی که اسرائیل همه این چیزها را فقط به دلیل عضویت در قوم خدا تجربه کرد، با این حال آنها هنوز ایمان نداشتند و به آن سرزمین نرفتند.

به همین ترتیب، نویسنده عبرانیان همه این چیزها را فقط به دلیل عضویت در کلیسا تجربه کرده است. آنها همه این چیزها را تجربه کرده اند، اما آنها نیز در معرض خطر شکست در پذیرش آن در ایمان هستند. آنها بیش از حد در معرض خطر سقوط هستند.

بنابراین با وجود اینکه نویسنده آن را نمی گوید، من متقاعد شده ام که او هنوز خوانندگانش را با نسل بیابان مقایسه می کند. و او از زبانی استفاده می کند که برای خوانندگان مسیحی یهودی اش، آنها را به یاد اجدادشان می اندازد. باز هم، انگار می خواهم بگویم، همان کاری را که آنها انجام دادند انجام ندهید.

آنها هم همه این چیزها را تجربه کردند، اما آن را رد کردند. آنها باور نکردند. آنها افتادند و به زمین نرفتند.

آیا شما هم همین کار را نمی کنید؟ شما نیز همه این چیزها را تجربه کرده اید، اما وعده های خدا را رد نکنید. از پاسخ دادن با ایمان امتناع نکنید و آن استراحت را از دست ندهید، با رفتاری مانند اجدادتان آن رستگاری را از دست بدهید.

راست؟ سوالی دارید؟ باز هم، من فکر می کنم همه موارد دیگر، جالب اینجاست که فکر می کنم تمام قسمت های هشدار دهنده دیگر را باید به روشی مشابه درک کرد. جالب اینجاست که تمام متون هشدار دهنده دیگر در واقع از عهد عتیق اسرائیل به عنوان مثال استفاده می کنند. باز هم، گویی او بارها و بارها به خوانندگانش می گوید، اجازه ندهید به یک معنا که می توانیم بگوییم، اجازه ندهید تاریخ تکرار شود.

به همان روشی که اسرائیل در عهد عتیق پاسخ داد، پاسخ ندهید، که از پاسخ دادن با ایمان امتناع ورزید، چه کسی که سرکشی کرد، کسی که نافرمانی کرد. آیا شما همان کار را انجام نمی دهید زیرا اکنون چیز بزرگتری دارید؟ شما در زمان تحقق زندگی می کنید.

شما در زمانی زندگی می کنید که عصر آینده در مسیح به انجام رسیده است. بنابراین، دری که شما آماده ورود به آن هستید بسیار بزرگتر از آن چیزی است که حتی در عهد عتیق صادق بود، زیرا اکنون در زمان تحقق در مسیح زندگی می کنید. بنابراین اشتباه فاحش را مرتکب نشوید که آن را از دست بدهید.

در عوض، ادامه دهید و مسیح را با ایمان در آغوش بگیرید. اگر پشت کنید همه چیز برای از دست دادن دارید. اگر ادامه دهید و عیسی مسیح را با ایمان در آغوش بگیرید، بدون توجه به هزینه ها، همه چیز برای به دست آوردن دارید.

سوال دیگری دارید؟ می خواهیم به طور خلاصه در مورد آن صحبت کنم، در یادداشت های خود متوجه خواهید شد که یک سفر وجود دارد. هر چند وقت یکبار، ما متوقف می شویم و وقتی یک موضوع غالب وجود دارد، می ایستیم و نشان می دهیم که چگونه از عهد عتیق رشد می کند و در عهد جدید تحقق می یابد. اما قبل از اینکه ادامه دهیم، سؤال دیگری در مورد عبرانیان وجود دارد؟ شما به نوعی این ایده را دریافت می کنید که عبرانیان در مورد چیست.

عبرانیان در واقع یکی از آن کتاب هایی است که در آن به راحتی می توان فهمید که نویسنده چه کاری انجام می دهد. جایی که مشکل زمانی است که شروع به نگاه کردن به جزئیات و تلاش برای کشف آنها می کنید. این ملک صادق کیست؟ او از کجای دنیا آمده است و چگونه مسیح با ملک صادق مرتبط می شود؟ او کیست؟ تنها جایی که او در عهد عتیق ذکر شده است، علاوه بر مزمور 110، آن اشاره کوتاه مرموز به زندگی او در پیدایش، در فصل های اولیه پیدایش است.

و کمی از تعامل او با آبراهام. در غیر این صورت، چیزی در مورد او نمی شنوید. منظورم این است که ملک صادق کیست؟ این کشیشی در دستور ملک صادق کیست؟ مسیح چگونه به آن تعلق دارد؟ بنابراین، تعدادی چیز از این دست وجود دارد که چیزهای زیادی را فراهم می کند تا شما را تا آخر عمر مشغول فکر کردن و کاوش کند.

با این حال، در سطح گسترده، خواندن عبرانیان، این کاملاً ساده است که چه اتفاقی می افتد، خوانندگان در معرض خطر انجام چه کاری هستند، و او سعی می کند آنها را وادار به انجام چه کاری کند. درست وقتی سعی می کنید جزئیات را پر کنید، گاهی اوقات همه چیز کمی چسبناک می شود. اما به طور کلی، من فکر می کنم که محور اصلی عبرانیان، دوباره، این است که او سعی می کند به خوانندگان نشان دهد که اگر به مسیح پشت کنند، همه چیز برای از دست دادن دارند.

آنها همه چیز برای به دست آوردن اگر به او ادامه دهند و او را با ایمان در آغوش بگیرند. بسیار خوب. فقط برای شروع سفر، و آن عهد است، ایده عهد، به ویژه عهد جدید، نقش مهمی در عبرانیان ایفا می کند.

اما در واقع سابقه ای طولانی دارد که ما چند بار به آن اشاره کرده ایم. ایده عهد در واقع، به نظر من، به خلقت برمی گردد. اگرچه کلمه عهد در پیدایش 1 و 2 استفاده نشده است، اما رابطه خدا با آدم و حوا اساساً یک رابطه پیمان بود.

و پیمان احتمالاً شامل تعدادی از ویژگی ها است، اما حداقل، شامل این سه ایده است. پیمان جایی است که خدا عمل می کند، خدا ابتکار عمل را به دست می گیرد و برای برقراری رابطه با قوم خود عمل می کند که در آن آنها را به عنوان فرزندان یا به عنوان قوم خود به فرزندی قبول می کند. بنابراین به همین دلیل است که شما این عبارت را به طور مکرر در سراسر کتاب مقدس می یابید، من خدای شما خواهم بود، شما قوم من خواهید بود.

این زبان پیمان است. خداوند ابتکار عمل را به دست می گیرد و برای برقراری رابطه با یک قوم عمل می کند و آنها را به عنوان قوم خود می پذیرد. آنها به طور طبیعی مال او نیستند.

او آنها را به عنوان قوم خود خواهد پذیرفت. به عنوان بخشی از پیمان، شرایطی وجود دارد که باید برای حفظ آن رابطه و حفظ آن رابطه رعایت شود. معمولاً اطاعت از طرف طرف کوچکتر است.

معمولاً دوباره خدا با کسی که زیر نظر او است یا کسی که در وضعیت پایین تری قرار دارد وارد رابطه می شود. خدا آنها را به عنوان انسان خواهد پذیرفت. و برای حفظ این رابطه، تا آنجا که باید از آنها اطاعت کنند، شرایطی وجود دارد.

پس در باغ عدن، شرط این بود که از درخت شناخت نیک و بد نخورید. این شرط عهد بود. بنابراین، خدا آدم و حوا را به عنوان قوم خود پذیرفت و آنها را برکت می داد، اما در پاسخ، آنها باید اطاعت می کردند و به یک معنا به پایان خود عمل می کردند.

برای حفظ این رابطه، آنها از فرمان خدا اطاعت می کنند که از این درخت شناخت خیر و شر نخورند. رابطه پیمان همچنین شامل وعده های خدا به کسانی بود که زندگی می کنند یا نمی توانند به رابطه پیمان عمل کنند. بنابراین، شما این را در تاریخ اسرائیل می بینید که خدا می گوید، اگر از شریعت اطاعت کنید، من به شما برکت خواهم داد.

اگر موفق نشوید، شما را نفرین خواهم کرد. و دوباره، از نظر آدم و حوا، آنها عواقب آن را متحمل شدند. به دلیل ناکامی در حفظ پیمان، نفرین شدند و از باغ بیرون رانده شدند.

بنابراین، ایده عهد که حداقل شامل این سه چیز است، و ممکن است راه های بهتری برای بیان آنها و درک آنها وجود داشته باشد، اما ایده ورود خدا به یک رابطه، برقراری رابطه ای که به موجب آن او قومی را به عنوان قوم خود می پذیرد، قول می دهد که بر اساس اطاعت از احکام عهد، آنها را برکت دهد یا نفرین کند. حال، بدون پرداختن به جزئیات زیاد، متوجه می شوید که این عهدی که خدا با قوم خود می بندد و می بندد، با ابراهیم تقویت می شود یا تکرار می شود، عهدی که خدا با ابراهیم می بندد، عهدی که با داوود می بندد، جایی که او قول می دهد، من پدر تو خواهم بود، تو پسر من خواهی بود، اما همچنین عهدی که خدا در نهایت با موسی می بندد، تقویت می شود. جایی که، دوباره، در آنجا، به وضوح ایده این است که اطاعت از شریعت شرط اصلی است، و خدا آنها را برکت می دهد یا نفرین می کند، آخرین شرط، بر اساس اینکه آیا آنها در اطاعت از قانون پاسخ می دهند یا خیر. حال، همه اینها منجر به راهی می شود که پیمان، راهی که عهد در نهایت محقق می شود، راهی که قصد خدا برای ورود به یک رابطه پیمان با بشریت در نهایت محقق می شود، از طریق وعده یک عهد جدید است.

به عنوان مثال، در ارمیا، ارمیا فصل 31، و در حزقیال فصل های 36 و 37، خدا وعده می دهد که روزی عهد جدیدی برقرار خواهد کرد که بیان نهایی رابطه پیمانی خواهد بود که او می خواهد با قومش وارد شود. به ویژه به این دلیل که اسرائیل تحت عهد قدیمی شکست خورد، خدا اکنون عهد جدیدی را آغاز و افتتاح می کند که در آن با قوم خود رابطه برقرار می کند و آنها را به عنوان قوم خود می پذیرد و برای آنها تدارک می گذارد و برای برکت دادن آنها عمل می کند. بنابراین، خدا همانطور که در ارمیا فصل 31 وعده داده شده است، و همچنین در حزقیال فصل های 36 و 37، و فکر می کنم تعدادی از جاهای دیگر نیز در عهد عتیق وعده داده شده است، عهد جدیدی را اجرا خواهد کرد.

اکنون آنچه در عهد جدید، به ویژه عبرانیان، اتفاق می افتد، این است که نویسندگان عهد جدید متقاعد شده اند که اکنون با آمدن عیسی مسیح، آن نجات عهد جدید، آن ترتیب پیمان جدید اکنون در شخص عیسی

مسیح افتتاح شده است. و نحوه افتتاح آن نیز باید از نظر قبلا اما هنوز درک نشود. این در حال حاضر قبل از تحقق نهایی و نهایی خود در آینده افتتاح شده است.

و در واقع دوشنبه آینده کمی بیشتر به آن نگاه خواهیم کرد. روز جمعه امتحان برگزار می شود. اما دوشنبه ما پیمان را انتخاب می کنیم و سپس به کتاب یعقوب نیز می رویم.

این دکتر دیو متیوسون در تاریخ و ادبیات عهد جدید، سخنرانی ۲۸ درباره کتاب عبرانیان است.